

## علل اسلام آوردن ایرانیان

مهدی سالاری / دوره نیمه تخصصی تاریخ اسلام

ایران قدیم بزرگترین کشور جهان بود که قسمت اعظمی از قاره آسیا را دربر می‌گرفت. این دولت بزرگ، دارای حکومت‌های مقتدر و سرسختی بود که سالیان دراز بر این سرزمین پهناور حکومت کردند. از جمله آنها دولت ساسانی است که ۴۱۶ سال حکومت کرد.

با اینکه ساسانیان در این مدت توانستند حکومت اقتدارگرایانه خود را بر سرزمین پر نعمت ایران تحمیل کنند، به دلایل متعددی که خواهیم گفت نتوانستند به حیات خود ادامه دهند و آنقدر پوسیده شده بودند که اندک تکانی آنها را سخت می‌لرزاند.

"سقوط ساسانیان هرچند به وسیله مسلمانان انجام گرفت ولیکن از نیرومندی عرب نبود"<sup>۱</sup>  
"دولت عظیم و کهنسال ساسانی در آن روزگاران فترت و نکبت چون سلیمان مرده‌ای بود که تکیه بر عصای افسانه‌ای اما موربانه خورده خویش داشت و هر تندبادی که از کران صحرائی برمی‌خاست می‌توانست آن پیکر فرتوت و بی‌رمق را خرد کند و به مُغاک هلاکت بسپارد، و پیداست که قومی گرسنه و تازه نفس اما حادثه‌جو و بی‌باک، که خود را مظهر مشیت خداوند می‌دانست، به خوبی می‌توانست این نقش ظاهر و هیكل آراسته را به یک ضربت از پای درافکند و در زیر تفرقه تشمت و فساد که آن را از درون می‌خورد مدفون نماید."<sup>۲</sup>

### دلایل سقوط ساسانیان

"بعد از انوشیروان علائم ضعف و انحطاط در سلسله ساسانی ظاهر شد. با مرگ خسرو پرویز بی‌نظمی و هرج و مرج عجیبی بر سرتاسر خاک ایران مستولی شد، کار آشوب و بی‌سامانی به جایی رسید که از مرگ خسرو پرویز تا جلوس یزدگرد سوم، آخرین پادشاه ساسانی که اندک بیش از پنج سال بود قریب به ۱۲ نفر یکی پس از دیگری به تخت سلطنت نشستند."<sup>۳</sup>

دولت ساسانی با تمام قدرت و حشمتی که داشت نتوانسته بود رضایت مردم را جلب کند، چه اینکه قدرت و گستاخی را تنها راه حل مشکلات خود می‌دید، اینچنین بود که هرگاه از گوشه و کنار ناله مظلومی به مخالفت برمی‌خاست تیغ شمشیر خشونت آن را در نطفه خفه می‌کرد، ولی این واپسزدگی چنان به نیروی بزرگی مسلح شد که از درون، پایه‌های اسکله حکومتی را پوساند.

۱- داود الهامی، ایران و اسلام ۲۵/

۲- عبدالحسین زرین‌کوب، تاریخ ایران بعد از اسلام ۱۵۸/.

ظهور اسلام تا دیالمه ۲۴/.

"ناخشنودی مردم از حکومت در پایان کار این خاندان، از یک طرف و فشار سخت طبقه حاکم و دستگاه وابسته بر مردم"<sup>۱</sup> از طرف دیگر نیرویی را به وجود آورد که توان تحمل را از دولت ستانده بود. دیگر از دلایلی که دولت ساسانیان در مرداب تاریخ فرورفت "شکست ایران از روم در زمان خسرو پرویز، تضعیف روحیه نظامی دولت، شیوه اشرافیگری و ظلمی که در حق مردم می‌رفت، بود."<sup>۲</sup>

"تبعیت نکردن سرداران و ناحیه حکومتی را تیول خود قراردادن و از جهتی نابسامانی اوضاع اقتصادی و افزایش مالیات‌ها به خاطر هزینه‌های سنگین جنگ بر وخامت اوضاع می‌افزود"<sup>۳</sup> این نکته را باید همیشه مدنظر داشت که هر حکومتی برای بقا و حیات نیاز به حمایت مردم دارد اما این فاکتور همیشه از چشم دولت مردان ساسانی به دور ماند و هرچه بر عمر این حکومت گذشت از اعتماد مردم کاسته شد تا اینکه سرانجام "پادشاهی عظیمی که چندین قرن قدمت داشت و یکی از دو قطب قدرت دنیای آن روز به حساب می‌رفت به سادگی در برابر هجوم اعراب بدوی از هم پاشید و اگرچه تشکیلات آن پابرجا ماند ولی مدت‌ها طول کشید تا عنصر ایرانی بتواند مجدداً تحت لوای یک کشور، سربلند کند."<sup>۴</sup>

### علل اسلام آوردن ایرانیان

"هرگاه فرهنگی مرود هجوم فرهنگی دیگری قرار می‌گیرد، پیروان و علاقه‌مندان به فرهنگ جدیدتر به نحو افراط و زیانباری آثار فرهنگ کهن را مورد بی‌اعتنایی قرار می‌دهند. ایرانیان که از فرهنگ جدید اسلامی سخت به وجد آمده بودند علاقه‌ای نسبت به فرهنگ کهن نشان ندادند، بلکه در فراموشیدن آن عمد به کار بردند."<sup>۵</sup> چرا که "روح آریائی در جستجوی آزادی فکر و اندیشه، و جسم او در طلب عدالت اجتماعی و مساوات بود یعنی دقیقاً همان چیزی که دولت ساسانی با آن به شدت بیگانه بود. ایرانیان عدالت و مساوات و درآمدن از یوغ بردگی را در دین اسلام دیده و آن را پذیرفتند و با جان و دل از آن حمایت نمودند."<sup>۶</sup>

"آئین اسلام به امتیازات دیرینه نجبا و موبدان که طی قرن‌ها مردم ایران را در نوعی بندگی محنت‌بار نگه داشته بود خاتمه می‌داد، دیوارهای عظیم طبقاتی را که بین مردم فقیر و موبدان و

۱- سیدجعفر شهیدی، تاریخ تحلیلی اسلام/ ۱۴۲.

۲- رسول جعفریان، از پیدایش اسلام تا ایران اسلامی / ۱۴۲.

۳- غلامرضا جوادی، مدیریت در ایران باستان / ۳۸۳.

۴- همان / ۳۸۲.

۵- مرتضی مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران / ۲۸۶.

مذاهب در ایران / ۲۰۳.

آزاتان فاصله عبورناپذیری به وجود آورده بود، فرو ریخت.<sup>۱</sup> و همین فروریختگی بود که ایرانیان سالیان متمادی در آرزوی آن به سر می بردند و در انتظار دمیدن خورشید عدالت بودند. "وضع آشفته مذهبی در غرب ایران"<sup>۲</sup> "دیرینگی و بی روح گردیدن آئین زرتشتی از دوره قباد به بعد"، "نشر مبادی اسلام در ایران" و "سادگی و بی پیرایگی این دین به خصوص اصل عدالت و مساوات"<sup>۳</sup> از دلایل دیگری است که ایرانیان رنج دیده را سیل آسا به سوی اسلام گسیل داشت. "آواز پرطنین اسلام ضد ظلم و شهرت، و عدالت و برابری اسلام، و برادری بین مسلمانان به برکت قرآن"<sup>۴</sup> گوش هر ایرانی را نوازش می داد. "برخورد تعلیم و تربیت بنده پروری ساسانیان با تربیت آزادمنشانه اسلام، برخورد دو جهان بینی متضاد را نشان می داد و همین جاذبه آموزشی آزاد نشانی اسلامی بود که بیش از همه چیز، قلب ایرانی را تسخیر کرد."<sup>۵</sup>

### نتیجه بحث

"وضع دینی و حکومتی آن روز ایران طوری بود که مردم تشنه یک سخن تازه بودند. در حقیقت در انتظار فرج به سر می بردند، هرگونه خبری از "اسلام" به سرعت برق در میان مردم می پیچید. مردم طبعاً می پرسیدند، این دین جدید اصولش چیست؟ فرو عیش چیست."<sup>۶</sup> زیرا ایرانیان ایرانیان در اختناق عجیبی به سر می بردند، نه وحدت عقیده داشتند و نه اجازه کسب علم، این قید و بندها برای ایرانیان مستعد و سرشار از نبوغ بسیار گران بودند! "اولین چیزی که اسلام از ایران گرفت تشنگی افکار و عقاید مذهبی بود و به جای آن وحدت عقیده برقرار کرد، این کار برای اولین بار توسط اسلام در این مرز و بوم صورت گرفت."<sup>۷</sup> "هرج و مرج عقاید از جهت تشنگی مذهبی، فقر و پریشانی مردم از مالیات های سنگین، کثرت ظلم و جور و هزاران دلیل دیگر باعث شد ایرانیان با آغوش باز از اسلام استقبال کنند. مردم ایران دیگر نمی توانستند فشار بیشتری را تحمل کنند و برای خود مخلصی می طلبیدند که این مخلص بانگ مسلمانی بود که دین اسلام را به همراه خود می آوردند."<sup>۸</sup>

۱- عبدالحسین زرین کوب، تاریخ مردم ایران / ۱۲.

۲- رسول جعفریان، همان / ۱۴۲.

۳- سید جعفر شهیدی، همان / ۱۲۱.

۴- عالی محمد بشارتی، تاریخ تحلیلی ایران بعد از اسلام / ۹۴.

۵- عبدالحسین زرین کوب، ایران و اسلام / ۲۲۰.

۶- مرتضی مطهری، همان / ۸۰.

۷- همان / ۳۲۱.